

سالک فرهنگ اسلامی - ایرانی (پروفسور ایزوتسو)

شبِ بزرگداشت فیلسوف و اسلام‌شناس فقید ژاپنی توشی هیکو ایزوتسو، با همکاری دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، بنیاد فرهنگی ملت، بنیاد موقوفات و گنجینه پژوهشی دکتر افشار، و مجله بخارا، ۱۲ اسفند ماه ۱۳۹۳ در کانون زبان فارسی برگزار شد.

شبِ بزرگداشت فیلسوف و اسلام‌شناس فقید ژاپنی توشی هیکو ایزوتسو، با همکاری دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، بنیاد فرهنگی ملت، بنیاد موقوفات و گنجینه پژوهشی دکتر افشار، و مجله بخارا، ۱۲ اسفند ماه ۱۳۹۳ در کانون زبان فارسی برگزار شد.

دلبسته تجربه عرفانی «وجود»

نخستین سخنران این جلسه پروفسور شین نوموتو استاد اسلام‌شناسی دانشگاه کیو ژاپن بود. وی اظهار داشت: دلبستگی ایزوتسو به تجربه عرفانی «وجود» با شاهکاری شروع شد که در سی سالگی‌اش پدید آورد: «فلسفه عرفانی» (بخش اول) - تفکر یونان، توکیو، کیو شوبو، 1949.

پروفسور ایزوتسو پس از آن که در مقطعی از زندگی حرفه‌ای‌اش به تحقیق در زمینه‌های گوناگون (از آن جمله مطالعه معنایی قرآن کریم، الهیات اسلامی، اخلاق اسلامی، و مسئله زبان و ...) پرداخت، بار دیگر به موضوع تجربه وجود برگشت. کتاب «خاستگاه فلسفه اسلامی» (توکیو، ایوانامی، 1980)، نخستین اثر درخور توجه ایشان پس از سفر به ایران و بازگشت به ژاپن بود. این کتاب که به سه سخنرانی ایشان در دهه 1970 برمی‌گردد، به بحث پیرامون تجربه وجود در فلسفه و عرفان اسلامی می‌پردازد. «تجلی وجود در مابعدالطبیعه» عنوان بخش دوم کتاب است که موضوع کتاب را به طرزی موجز بیان می‌کند.

یکی از قله‌های فعالیت‌های علمی و فلسفی پروفسور ایزوتسو کتابی است با عنوان «آگاهی و ماهیات؛ در جست‌وجوی شرق روحانی» (1983). با این کتاب ایزوتسو پژوهش خود را در نمونه‌هایی از «تفکر وجودی» در مکاتب گوناگون فلسفی در «شرق» آغاز می‌کند.

پروفسور ایزوتسو پروژه‌ای را برای ساخت «نمونه‌هایی هم‌زمان از فلسفه شرق» یعنی ساخت یا بازسازی فلسفه شرق آغاز کرد.

اواخر دهه 1990 تا اواخر دهه 2000م، دوران رکود در پذیرش و مطالعه آثار پروفسور ایزوتسو است. در این دوران بیشتر آثار قدیم او نایاب بود، گرچه ترجمه او از قرآن کریم در 3 جلد (توکیو، اوانامی 1958 - تجدید چاپ در 1964) و «آگاهی و ماهیات» و «فرهنگ اسلامی؛ آنچه در اساس این فرهنگ نهفته است» (توکیو، اوانامی، 1981) هنوز نزد ناشرش موجود بود.

از فلسفه و عرفان تا اصول فقه

سپس نوبت به دکتر مهدی محقق، رئیس انجمن ملی مفاخر رسید تا از آشنایی و سال‌ها همکاری خود با ایزوتسو آغاز کند؛ او گفت: من مدت مدیدی با پروفسور ایزوتسو محشور بودم؛ حتی در مونترال کانادا. کتاب شرح منظومه حاج ملاهادی سبزواری را با هم تصحیح و به انگلیسی ترجمه کردیم که در نیویورک چاپ شد؛ و بعدها دکتر پور جوادی در نشر دانشگاهی آن را تجدید چاپ کرد و برای سومین بار هم دانشگاه تهران آن را چاپ نمود.

آغاز ترجمه مشترک ما از آن جا بود که من برای تدریس زبان فارسی به کانادا رفته بودم و دو کتاب را برای تدریس انتخاب کردم: «اسرار نامه» عطار و «جامع الحکمتین» ناصر خسرو. پس از آشنایی با پروفسور ایزوتسو ایشان از من خواستند که در کلاس من حاضر شوند. در آن کلاس ما بعضی از اشعار و فلسفه حاج ملاهادی سبزواری را ذکر می‌کردیم. یک روز بعد از درس آقای ایزوتسو گفتند که این باعث تأسف است که شما چنین دانشمندانی در مملکت خود داشتید و ناشناس مانده‌اند. گفتم خوب چکار کنیم؟ گفتند به انگلیسی ترجمه‌شان کنید. گفتم من به تنهایی نمی‌توانم ترجمه کنم. ایشان گفتند من کمک می‌کنم؛ هر کمکی که شما بخواهید.

ما در مدت دو سال قرار گذاشتیم که هفته‌ای دو روز، هر جلسه دو سه ساعت بنشینیم و این را ترجمه کنیم. البته جمله‌بندی‌های آن ترجمه کار آقای ایزوتسو است ولی انتخاب کلمات مناسب برای اصطلاحات فلسفی، با من بود. برای بعضی از اصطلاحاتی که حاجی به کار می‌برد و معادل آن در زبان لاتین موجود نبود، کمک می‌کردم تا معادل مناسبش را پیدا کنم؛ مثل «اصالت وجود» یا «اعتباریت ماهیت» که این اعتباری بودن مقداری دشوار بود زیرا در لاتین معادل مناسبی نداشت. وقتی که ترجمه تمام شد،

کتاب ما نیاز داشت تا برای آماده چاپ شدن بازبینی شود و من چون مدت مأموریتم در کانادا، که سه سال بود، تمام شده بود ناچار بودم برگردم.

پروفسور ایزوتسو گفتند من هر کاری که داشته باشم رها می‌کنم و به تهران می‌آیم که با هم دو مرتبه این کتاب را بخوانیم و برای چاپ آماده کنیم. ایشان مقدمه‌ای تفصیلی بر کتاب «الهیات بالاغم» نوشتند که تحت عنوان «ساختار اولیه متافیزیک» چاپ شد. ما هم مقدمه‌ای که ایزوتسو نوشته بود با ترجمه فارسی تحت عنوان «بنیاد حکمت سبزواری» در ایران چاپ کردیم. گذشته از این، تعلیقه‌ای را که مرحوم آقا میرزا مهدی آشتیانی بر شرح منظومه نوشته بودند را هم با کمک مرحوم دکتر فلاطوری چاپ کردیم، که ایزوتسو بر آن هم مقدمه‌ای نوشت.

در ادامه همکاری با هم، کتابی تحت عنوان «منطق و مباحث الفاظ» شامل دوازده متن چاپ نشده آماده کردیم، بیشتر از دانشمندان ایرانی مثل خواجه نصیرالدین طوسی و دیگران. بعد از آن به «قبسات میرداماد» پرداختیم که تا آن زمان چاپ آبرومندی نداشت و آن را هم منتشر کردیم؛ که علاوه بر مقدمه انگلیسی ایزوتسو، مرحوم فضل‌الرحمان رئیس دپارتمان اسلام‌شناسی دانشگاه شیکاگو هم مقدمه‌ای بر آن نوشتند.

گذشته از این شب‌ها هم جلساتی داشتیم که در آن کتاب‌هایی از دانشمندان زبان‌شناس معاصر مانند Ayer را می‌خواندیم. پروفسور ایزوتسو از من می‌خواست که قسمت‌هایی که اصولی از کتاب‌های آنها با اصولی از کتاب‌های فقه و منطق ما قابل قیاس است، برای او ذکر کنم. در واقع نوعی مطالعات تطبیقی می‌خواست، خصوصاً در ارتباط با اصطلاحات. ایزوتسو از من خواست معلمی به ایشان معرفی کنم که «اصول فقه» به او یاد بدهد و من از مرحوم دکتر گرجی خواهش کردم که هفته‌ای دو مرتبه به پروفسور ایزوتسو درس بدهند و ایزوتسو موفق شد که مقایسه زبان‌شناسی جدید را با اصول فقه شیعه انجام دهد.

ما از دانشگاه مک گیل کانادا خواستیم که برای ادامه کار، محلی در تهران داشته باشیم تا آقای ایزوتسو هم به تهران منتقل شود. به این ترتیب شعبه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل را سال 1347 در تهران افتتاح کردیم و پروفسور ایزوتسو به تهران منتقل شد. ما در این مؤسسه متجاوز از 170-180 کتاب از فلسفه و عرفان و منطق و حتی تاریخ پزشکی و ادبیات فارسی، منتشر کردیم و هنوز هم این مؤسسه فعال می‌باشد. پروفسور ایزوتسو در تهران به عضویت انجمن فلسفه درآمد و در آن جا «شرح فصوص‌الحکم» ابن عربی را تدریس می‌کرد که پروفسور چیتیک، دکتر اعوانی و دکتر پور جوادی از محضر درس ایشان استفاده می‌کردند.

پس از انقلاب که از ایران رفتند، من دیگر ایشان را ندیدم تا یک سفری در لندن که از من دعوت کرده بودند درس اسماعیلی بدهم؛ و در همان زمان هم آقای ایزوتسو آنجا تدریس می‌کردند. درس ایشان مقایسه متن عربی «پاتنجلی» با ترجمه انگلیسی «یوگا سوترا» بود که در آنجا ایزوتسو می‌خواست اثبات کند که ابوریحان بیرونی که مسلمان بود به چه کیفیتی و چه بخش‌هایی از این کتاب را برای ترجمه عربی انتخاب کرده که بتواند آن را به مخاطب مسلمان عرضه کند. این آخرین باری بود که من ایزوتسو را در لندن دیدم و دیگر ایشان را ندیدم تا آن که در یکی از این سفرها که به ژاپن رفتم تلفن کردم که ما می‌خواهیم شما را رسماً از طرف دانشگاه تهران دعوت کنیم که به ایران بیایید. ایشان گفتند من الان از بیمارستان برگشته‌ام و پزشکان مسافرت را برای من ممنوع کرده‌اند.

در هر حال وجود ایزوتسو در ایران و همکاریش، منتج آثار بسیار گران بهایی شد. با ترجمه منظومه حاج ملا هادی سبزواری که بعد از کتاب ابن رشد به لاتین ترجمه شده بود، برای اولین بار یک نظام منسجم فلسفی از عالم اسلام به غرب رفت؛ چون در کتاب حاج ملاهادی ما امور عامه و جوهر و عرض را ترجمه کردیم که دوبار دیگر نیز چاپ شد.

تا آنجایی که یادم هست، هشت کتاب از ایزوتسو به زبان فارسی ترجمه شده است "خدا و انسان در قرآن" که من قسمتی از این اثر را به استاد احمد آرام دادم که ترجمه بکند و ایشان فرمودند این اولین باری است که یک خارجی قرآن را به دور از تعصبات مسیحی‌گری و یهودی‌گری، ترجمه می‌کند. «مفاهیم دینی و اخلاقی در قرآن» را هم آقای فریدون بدره‌ای ترجمه کردند و پنج شش کتاب دیگر نظیر «خلق مدام» و «مقایسه ابن عربی با لائوتسه» که در دسترس ایرانیان قرار گرفته است.

مسلط بر 17 زبان شرقی

سپس دکتر غلامرضا اعوانی، رئیس انجمن حکمت و فلسفه ایران، از نخستین آشنایی خود با ایزوتسو حکایت کرد: من پروفسور ایزوتسو را برای اولین بار در سال 1348 دیدم و با ایشان آشنا شدم. بعد وقتی فهمیدم که قرار است فصوص ابن عربی را تدریس کند، به همراه دکتر پورجوادی در منزل ایشان به طور هفتگی درس فصوص را خواندیم و طبعاً این آشنایی هر روز گسترده‌تر می‌شد. ایزوتسو از سال 52 تا 57 شمسی، به طور مرتب و رسمی در انجمن فلسفه ایران، به تدریس مشغول بود.

پروفسور ایزوتسو از شور و حال خاصی بهره داشت و به محافل علمی ما غنایی ویژه بخشید. وی نبوغ و استعداد شگفت‌انگیزی در تدریس فصوص ابن‌عربی نشان می‌داد به طوری که شاید تاکنون چنین موردی را ندیده باشیم. آثار دیگری مانند «اشارات ابن سینا»، «فلسفه چین» و «ذن و بودیسم» را نیز تدریس می‌کرد. وی کتاب «ذن و بودیسم» را نیز در همان زمان تألیف کرده بود که یکی از کتاب‌های مرجع درباره این نوع تفکر به شمار می‌رود. البته من به همراه دکتر پورجوادی نزد ایشان زبان یونانی را نیز آموختیم.

ایزوتسو به خوبی عرفان ژاپنی، چینی و اسلامی را می‌دانست. وی نه تنها بر افکار ابن عربی تسلط داشت بلکه در افکار حکمای شرقی نیز متبحر بود. ایزوتسو در زمانی که در ایران مشغول مطالعه و تحقیق بود قصد داشت فلسفه چینی را تدریس کند؛ حتی از ژاپن تقاضا کرده بود که حدود دو هزار کتاب درباره فلسفه چینی برای ایشان ارسال شود. وی با مطالعه عمیق به تطبیق مبادی عرفان نظری اسلامی و چینی مشغول بود. باید گفت که ایزوتسو از موهبت خاصی نیز برخوردار بود و آن اینکه به زبان‌های مهم شرقی که در حدود 17 زبان بود، تسلط داشت. ایشان در مدرسه مطالعات شرقی لندن ترجمه «پاتانجلی» فارابی را با تطبیق آن به متن اصلی سانسکریت، تدریس می‌کرد.

ایزوتسو تسلط خاصی بر قرآن هم داشت و اولین فردی بودند که قرآن را به ژاپنی ترجمه کرد و تا آنجا که می‌دانیم بهترین ترجمه به زبان ژاپنی است.

جستجوگر ره‌یافته

سپس دکتر نصرالله پورجوادی، استاد سابق گروه فلسفه دانشگاه تهران، درباره ایزوتسو چنین گفت: ما معمولاً پروفسور ایزوتسو را به عنوان اسلام‌شناس ژاپنی معرفی می‌کنیم؛ ولی ایزوتسو اسلام‌شناس به معنای کسی که در سنت اسلام‌شناسی، ادامه داشت، نبود. او نزد هیچ کس اسلام‌شناسی اروپایی و آمریکایی را نخوانده بود. اسلام‌شناسان معمولاً سنتی دارند و در دانشگاه‌هایشان اسلام‌شناسان را تربیت می‌کنند؛ اما پروفسور ایزوتسو به هیچ کدام از این دانشگاه‌ها نرفته بود؛ به همین دلیل او در مطالعات اسلامی خود به شیوه اسلام‌شناسان غربی عمل نکرد.

اسلام‌شناسان غربی معمولاً با تاریخ دوره‌های اولیه در زمینه‌های دینی آغاز می‌کنند و سیر تفکر و علوم اسلامی برای آنها مهم است؛ ولی ایزوتسو به این طریق عمل نکرد. به همین دلیل هم کارهای او از جاهای متفرقه است؛ به یک معنا خودش جستجوگری کرده و راه خودش را پیدا کرده بود. علاقه ایزوتسو به تفکر بود. او کار خود را با یاد گرفتن زبان‌های مختلف شروع می‌کند؛ ولی همواره دل بسته تفکر بود.

پروفسور ایزوتسو «تاریخ اندیشه عربی» را در جوانی و به سن بیست و چند سالگی به چاپ رسانده بود. کتاب‌هایی که ایزوتسو می‌نوشت در واقع پاسخ به جستجوگری خود او بود. علاقه‌اش به اسلام در واقع علاقه به فلسفه اسلامی بود، به عرفان اسلامی بود؛ به خاطر جنبه‌های نظری و فلسفی اسلام.

ایزوتسو در سه وطن

آخرین سخنران این نشست بهمن ذکی‌پور، دانشجوی فلسفه از ژاپن بود که درباره بازخوانی تفکر کهن ایرانی در فلسفه ایزوتسو سخن گفت. ذکی‌پور ابراز داشت: سیر تکامل اندیشه ایزوتسو را می‌توان به دو شیوه باز شناخت: یکی تقسیم‌بندی مراحل فکری او به صورت تاریخی و خطی و دیگری شناخت فلسفه او بر اساس زندگی در سه وطن است. این سه وطن را به ترتیب می‌توانیم این‌گونه تقسیم‌بندی کنیم: 1. وطن و زادگاه تولد (ژاپن)؛ 2. وطن و زادگاه معنوی (ایران)؛ 3. وطن و زادگاه فکری (سوئیس، کنفرانس ارانوس). از نظر تقسیم‌بندی مراحل فکری به صورت تاریخی و خطی هم می‌توانیم سه دوره فکری: 1. از ژاپن تا حضور در دانشگاه مک‌گیل؛ 2. از دانشگاه مک‌گیل تا انقلاب ایران؛ 3. بازگشت به ژاپن تا هنگامه وفات، را متصور شویم.

در این جا مسئله خود را بر اساس تقسیم‌بندی تاریخی پی می‌گیریم. این دوره به سه مرحله تقسیم می‌شود. در مرحله نخست ما با پژوهشگر جوانی مواجه هستیم که به سبب اصرار پدرش به تمرین ذن از مکتب ذن روی گردانیده و زبان‌شناسی را به عنوان تخصص خویش برگزیده است. او در این مرحله، فراگیری زبان‌های مختلف را آغاز می‌کند. در طی مراحل یادگیری زبان‌های گوناگون در سن بیست سالگی به زبان عربی روی می‌آورد و نزد عالمی تاتاری، موسی جارالله، این زبان را می‌آموزد. به لطف فراگیری زبان عربی و آشنایی با آثار مستشرقان غربی، او نخستین کتاب خود را به زبان ژاپنی تحت عنوان «تاریخ اندیشه عربی» که تاریخ فلسفه‌ای است از تولد فلسفه اسلامی تا ابن رشد، منتشر ساخت. در این اثر، توجه به دو نکته ضروری است: نخست عنوان کتاب است که به پیروی از سنت شرق‌شناسی آن زمان عنوان اندیشه «عربی» را بر خود دارد، و دیگری توقف این

درست است که توشی هیکو ایزوتسو در ایران و حتی در وطنش ژاپن به عنوان اسلام‌شناسی پرآوازه و نخستین مترجم قرآن از عربی به ژاپنی شناخته می‌شود، اما باید دانست که چنین نگاه و طرز فکری از او شناختی ناقص بر ما عرضه می‌کند؛ چرا که او در سومین بخش از حیات فکری خود می‌کوشد تا فلسفه‌ای را بنیان گذارد که تمامی سنن شرقی بتوانند در آن با یکدیگر به گفتگو بپردازند. به گفته وی در کتاب «آگاهی و ماهیت» کار او تنها مقدمه‌ای است بر حوزه وسیع مطالعات تطبیقی در شرق.

اما با تمام توجه او به حوزه‌های بودایی و تائویی و هندی نمی‌توانیم منکر این شویم که تفکر ایران چه در دوران باستان و چه در سده‌های اسلامی راه را برای تاسیس فلسفه شرقی خاص او فراهم ساخت. بنابراین شناخت فلسفه ایزوتسو می‌تواند ما را در بازشناسی سنت کهن ایرانی و سنت اسلامی جان گرفته در ایران، بسیار یاری کند. درست است که او برآمده از سنت ژاپنی است اما به تعبیری «ایزوتسو بیش از آن که متعلق به جهان ژاپنی باشد به عالم ایرانی تعلق دارد.»